



The Role of Tard's Three Laws in De-Imprisonment and the Imposition of Alternative Punishments in Iran's Criminal Law

Aliakbar Karami¹, Mohamadreza Shadmanfar*², Norooz Kargari³

1. PhD Student of Law Department, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 37-50

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3235-552X

TELL: +989132253970

Email: mrsh23@gmail.com

Article history:

Received: 02 Oct 2024

Revised: 19 Dec 2024

Accepted: 01 Feb 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Tard's Three Laws, De-Imprisonment, Alternative Punishment of Imprisonment, Iranian Criminal Law.

ABSTRACT

Iran's criminal law has made efforts in the direction of decriminalization and de-imprisonment during the last decade. Examining the foundations of these measures and in other words the impact of criminological theories on this policy is one of the important and debated issues. Based on this, the purpose of this article is to investigate the role of Gabriel Tarde's three laws in de-imprisonment and the introduction of alternative punishments in Iranian criminal law. Tard's theory has an effect on the role of imitation and learning in committing crimes. approach and imposing punishments instead of imprisonment. The Law on Reducing Ta'zizi Punishments approved in 1399 and before that the imposition of alternative punishments of imprisonment in the Islamic Penal Code approved in 1392 can be seen as the effect of Tard Laws on Iran's criminal laws. From the point of view of Tard's theory of prison punishment, due to reasons such as the criminality of the prison environment, the negative and psychological consequences of prison for prisoners, the imitative nature of human beings, it has an impact on crime. It is necessary to enhance the de-imprisonment policy.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Karami, A; Shadmanfar, M & Kargari, N (2025). "The Role of Tard's Three Laws in De-Imprisonment and the Imposition of Alternative Punishments in Iran's Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 37-50.

مقدمه

باتوجه به تنوع و تکثر مکاتب و تئوری‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی که طی دوره علمی به ثبت رسیده‌اند و میراث گرانقدری که از افکار و اندیشه‌های فلاسفه نامدار دوران باستان به بعد بر جای مانده، ضرورت واکاوی، نقادی، بررسی‌های تطبیقی و حل تعارضات احتمالی بین آن‌ها به منظور امکان به‌کارگیری بهینه از ثمرات آن‌ها در عرصه‌های تقنینی، پیشگیری، محاکماتی تأمین تربیتی و اجرای احکام از نظامات حقوق کیفری عصر جدید امری اجتناب‌ناپذیر است. یکی از نظریات معروف جرم‌شناسی، نظریه **گابریل تارد** است. **گابریل تارد**، جرم‌شناس مشهوری است که با ارائه تر خود مبنی بر اکتسابی بودن جرم، دیدگاه **لومبرزو** را در زمینه جبریت جرم به چالش کشاند. قوانین تقلید، همگان و انبوه خلق دو کتاب وی می‌باشند. **تارد** معتقد بود که تمامی رفتارهای انسان در اثر تقلید آموخته می‌شود، جرم هم یک رفتار انسانی است که در جامعه آموخته می‌شود. وی معتقد بود که هیچ انسانی مجرم مادرزاد نیست و این جامعه است که در طول حیات انسان شیوه‌های ارتکاب جرم را به فرد می‌آموزد. **لومبرزو** اعتقاد داشت بعضی از انسان‌ها به دلیل دارا بودن نوعی نقیصه زیستی مجرم زاده می‌شوند. بزهکاری این افراد محتوم است. این‌ها انسان‌هایی هستند که قابلیت اصلاح و درمان ندارند. دفاع از جامعه ایجاب می‌کند که این‌ها انسان‌ها از جامعه طرد شوند، لذا مجازات، تبعید به مستعمرات، اعدام و ... توصیه می‌کرد و ۷۲ ویژگی آناتومیک (جسمی) را برای این افراد معرفی کرد، اما **گابریل تارد**، اگرچه اعتقادات به مجرم مادرزاد نداشت، اما اولین فردی است که خصوصیات مجرم حرفه‌ای را مطرح کرد. مجرم حرفه‌ای از آورده‌های **تارد** است که در مقابل آورده **لومبرزو** قرار می‌گیرد. مجرم حرفه‌ای کسی است که دارای تکلم، سبک زبان معاشرت ویژه خود، باورها و ارزش‌های خود است. بزهکار حرفه‌ای کسی است که ارتکاب جرم را در جامعه یاد گرفته است و در نتیجه وجود بسترهای اجتماعی جرم‌زا وارد ورطه تبهکاری شده است، اما برخلاف **لومبرزو**، **تارد** اعتقاد داشت که بزهکار حرفه‌ای قابل اصلاح و درمان است.

۱- قوانین سه‌گانه تارد و تأثیر آن در جرم‌شناسی

گابریل تارد اعتقاد داشت که ارتکاب جرم از راه تقلید و یادگیری آموخته می‌شود و کتابی نوشته است به نام «قوانین تقلید» که سه قانون را به‌عنوان قانون حاکم بر چگونگی تقلید جرم معرفی کرده است.

۱-۱- قانون اول: تقلیدی بودن انسان

این‌که انسان غالباً از کسانی تقلید می‌کند که از نظر فیزیکی به او نزدیک بوده و یا با وی معاشرت دارند، به همین جهت اگر فرد در محیط‌های مجرمانه، فاسد و منحرف زندگی کند یا معاشرت داشته باشد، در نتیجه این معاشرت و قرابت فیزیکی ارتکاب جرم را می‌آموزد. کسی که در یک خانواده متلاشی شده به دنیا می‌آید و زندگی می‌کند که پدر او مثلاً سارق حرفه‌ای است (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۱). یقیناً تحت تأثیر اعتقادات، باورها و ارزش‌های پدر خود قرار می‌گیرد (تارد، ۲۰۱۲). خانواده‌ای که در یک محله فاسد زندگی مشروعی را آغاز کرده‌اند، یقیناً در گذر زمان از شر پلیدها و آثار سوء زندگی در آن محله در امان نمی‌مانند و این خانواده و اعضای آن به دلیل معاشرت با افراد فاسد ارتکاب جرم را می‌آموزند.

۱-۲- قانون دوم: تقلید انسان از افراد مافوق خود

انسان معمولاً از افراد مافوق خود تقلید می‌کند، یعنی اشخاص فرودست از اشخاص فرادست تقلید می‌کنند. در باندهای مجرمانه جرایم بانندی و سازمان‌یافته اشخاصی که تازه‌وارد هستند و در سلسله‌مراتب بانندی در ذیل قرار دارند، از پیشکسوتان پیروی نموده و تحت آموزش و ارشاد قرار گرفته و به این وسیله ارتکاب جرم را می‌آموزند (مارش و والکینگتن، ۱۳۸۹: ۵۷).

۱-۳- قانون سوم: تابع مد بودن انسانی

چون جرم یک رفتار انسانی است همانند سایر رفتارهای انسانی تابع مد بوده و متحول می‌شود و در گذر زمان هم‌نوع جرم و هم شیوه‌های ارتکاب آن تغییر می‌یابد (تووز، ۲۰۰۳: ۹۸-۸۱).

به‌عنوان مثال، تردیدی نیست که سرقت‌هایی که در صدسال پیش اتفاق می‌افتاد، سرقت‌های سنتی بوده‌اند که با استفاده از قوه جسمی و با کمین‌کردن سارقان و راهزنی و ... که

نظریه معاشرت‌های ترجیحی ساترلند مشاهده کرد و بر نظریات یادگیری و نظریات فرهنگ‌محور نیز تأثیر عمده داشت.

۲-۲- نظریات گابریل تارد با نظریه‌های خرده‌فرهنگ

تأثیر نظریه تارد بر نظریات خرده‌فرهنگی کاملاً آشکار است. برای مثال کلوارد و اوهلین در نظریه «فرصت‌های ترجیحی» به نقش یادگیری و تقلید توجه داشتند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت نظریه فرصت‌های ترجیحی معتقد بود در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از ارزش‌ها وجود دارد و مجموعه‌ای از راه‌ها و طرق مشروع و نامشروع برای رسیدن به این اهداف موجود است که این طرق و راه‌ها به میزان برابر در اختیار همه افراد جامعه نیست، به‌گونه‌ای که در بین طبقات پایین اجتماع اساساً ساختارهای نامشروع بیشتر است. اجتماعات دارای ساختارهای فرصت نامشروع سازمان‌یافته و ادغام‌شده محیط یادگیری رفتار مجرمانه را فراهم می‌آورند و در همین مورد کلوارد و اوهلین می‌نویسند: «دقیقاً همان‌گونه که جوانان طبقه متوسط، به‌دلیل صمیمیت با یک بانکدار یا تاجر ممکن است آرزو کنند که یک بانکدار یا تاجر شوند، جوانان طبقه پایین نیز به‌دلیل همکاری داشتن و برخورد ممکن است آرزوی تبدیل شدن به رییس ولگرد را داشته باشند» (فرانکپی و ماری لین دی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

از دیگر نظریه‌پردازان این عرصه می‌توان به میلر اشاره کرد، والتر میلر معتقد بود که درحالی‌که طبقه متوسط ارزش‌هایی همانند دستاورد دارند، طبقه پایین دل‌مشغولی‌های کانونی دارند، ارزش‌های طبقه پایین برای طبقه متوسط ممکن نابهنجار و ضدارزش به‌حساب آید و جرم محسوب شود، دل‌مشغولی‌های طبقه پایین عبارتند از: رنج، استحکام، زیرکی برانگیختگی سرنوشت و خود. رهبری میلر معتقد بود این فرهنگ طبقه پایین سبب سوق‌دهی فرزندان خانواده‌های فرودست به خیابان‌ها و ارتکاب اعمال مجرمانه و تشکیل باندهای بزهکارانه می‌شود، میلر همچنین به نقش پدر در تربیت صحیح فرزندان پسر اشاره می‌کند که در نبود پدر آن‌ها الگویی برای مدل‌سازی ندارند و نقش پدر خانواده را برعهده خواهند گرفت، کم‌آن‌که در اغلب خانواده‌های طبقه فرودست پدر حضور ندارد (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸).

پرمخاطره بوده، انجام می‌شد، اما پیدایش اسلحه و وفور آن و وسایل تکنولوژیکی مانند موبایل ارتکاب بسیاری جرایم مثل مواد مخدر، سرقت و ... تغییر کرده است.

همچنین ممکن است در نتیجه پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی جرایم جدیدی به‌وجود می‌آید که فاقد سابقه بوده‌اند و به جرایم جرایم مصنوعی (تصنعی) مشهور هستند که به موازات پیشرفت جامعه در زمینه اقتصادی خصوصاً صنعتی ایجاد شده‌اند که با جرایم فطری یا طبیعی متفاوتند، مثلاً تا قبل از این‌که اینترنت در خدمت مردم قرار گیرد، بحث از سرقت‌ها و اختلاس‌ها و کلاهبرداری‌هایی که اکنون به‌وسیله این تکنولوژی انجام می‌شود، منفی بود تا قبل از این‌که هواپیما اختراع شود، جرم هواپیماربابی وجود نداشت، پس جرم هم تابع مد بوده و همراه تکنولوژی تغییر می‌یابد. جرایم فطری، جرایمی هستند که افراد بشر به جرم‌بودن آن‌ها اتفاق داشته است.

۲- ارتباط نظریات تارد با اصول کلی کیفی

در این قسمت به بررسی ارتباط نظریات تارد با اصول کلی کیفی پرداخته می‌شود.

۲-۱- ارتباط نظریه تارد با یادگیری در عرصه جرم‌شناسی

نظری

گابریل تارد بنیان‌گذار مکتبی بود که بعدها به پیوند روانی شهرت یافت. پدیده تقلید برای اولین بار توسط شخصی به نام آدام اسمیت در اثری به‌نام «عواطف» مورد بررسی قرار گرفت و بعد از آن اسپنسر در کتاب قوانین تقلید و کتله بلژیکی در کتاب «سیستم اجتماعی» آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند (تارد، ۲۰۰۰). تارد پیوند روانی را اساس کار خویش قرار داد و اهمیت خاصی برای آن قائل شد و کلیه اصول نظریه خود را بر مبنای این پدیده نهاد. به‌نظر وی در جامعه‌شناسی همه چیز در روابط بین افراد خلاصه می‌شود، لذا اجتماع از گروهی از مردم تشکیل شده است که به تقلید از یکدیگر مشغول هستند. او به دو نوع تقلید معتقد بود: ۱- تقلید آداب و رسوم بین نسل‌ها؛ ۲- تقلید مراسم و عادات بین افراد در زمان حال. گابریل تارد پس از خود بر سه گروه عمده از جرم‌شناسان تأثیر گذارد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین تأثیر نظریات گابریل تارد را می‌توان در

پس از **جفری** **اکرز** به بررسی عامل یادگیری در وقوع جرم پرداخت نظریه **اکرز** از نظریه **جفری** مشهورتر می‌باشد، او در نظریات خود معتقد بود: «بخشی زیادی از یادگیری در میان انسان‌ها با مشاهده پیامدهایی که رفتارها برای افراد دیگر دارند، صورت می‌گیرد.» **اکرز** در فرمول‌بندی خود از نظریات یادگیری اجتماعی به چهار مفهوم عمده توجه می‌کند: ۱- معاشرت ترجیحی مهم‌ترین سرچشمه یادگیری اجتماعی است؛ ۲- **اکرز** در نظریات خود عامل مدت شدت و اولویت و فراوانی را حفظ کرد، ولی استدلال نمود که هم از طریق میان‌کنش مستقیم با افراد گروه به‌وجود می‌آید و هم از گروه‌های دورتر؛ ۳- برحسب نظر **اکرز** خود تعریف‌ها معنایی را که یک شخص به رفتار خویش می‌دهد، منعکس می‌سازد. تعریف‌های کلی باورهای مذهبی وجدانی و اخلاقی فرد را منعکس می‌سازد، درحالی‌که تعریف‌های خاص معنایی که شخص در مورد رفتار ویژه دارد، منعکس می‌سازد؛ ۴- تقویت ترجیحی به پیامدهای واقعی یا مورد انتظار یک رفتار معین اشاره دارد. برای مثال افراد رفتارهایی را انجام می‌دهند که به پاداش منجر خواهد شد و رفتارهایی را که منجر به مجازات می‌شود، انجام نخواهند داد (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۸).

بخش عمده‌ایی از نظریات **اکرز** برگرفته از نظریات **ساترلند** است. در مرحله چهارم یادگیری **اکرز** معتقد است فرد در صورتی عمل را انجام خواهد داد که آن عمل تقویت شده باشد، به عبارت دیگر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم باید عمل انجامی تقویت شود. مستقیم، تجربه خود فرد است، درحالی‌که غیرمستقیم مشاهده رفتار الگوست. این تقویت به دو صورت منفی و یا مثبت است. تقویت منفی شامل تنبیه الگو و یا سرمشق و تقویت مثبت شامل تشویق اوست. فردی که برای اولین بار عملی را انجام می‌دهد، اگر تشویق شود عمل خود را ادامه خواهد داد و تکرار خواهد کرد و در صورت تنبیه از انجام عمل خود خودداری خواهد ورزید. در مورد مجرمین، اگرچه آنان از طرف جامعه مجازات می‌شوند، ولی از سوی گروه‌هایی که در آن عضویت دارند، مورد تشویق قرار می‌گیرند و هرچه میزان انجام اعمال مجرمانه فرد بیشتر باشد، در گروه از مایه مباحثات و افتخارات فرد به حساب می‌آید و ممکن است فرد مجرم در

در نظریه **میلر** فرزندان خانواده‌های طبقه فرودست به خیابان‌ها کشیده خواهند شد و اعمال مجرمانه را از باندهای بزهکارانه خواهند آموخت. **ولف گانگ** و **فراکوئی** از دیگر نظریه‌پردازان این عرصه هستند. آن دو در مورد قتل‌های هیجانی به تحقیق پرداخته بودند، خلاصه نظریه آن‌ها بدین شرح است، اگرچه اعضای یک زیرفرهنگ دارای ارزش‌های متفاوت از ارزش‌های افراد جامعه مرکزی است، اما تفاوت‌های آن‌ها کلی نیست و ارزش‌های آن‌ها در تعارض کامل با افراد جامعه در نمی‌آید (فرانک‌پی و ماری لین دی، ۱۳۸۶: ۲۲۸). **ولف گانگ** و **فراکوئی** مانند **ساترلند** استدلال نمودند، ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات رفتاری علت بی‌واسطه رفتاری هستند، آن‌ها به‌مانند **ساترلند** معتقد بودند این ایده‌ها از شرایط اجتماعی کلی ناشی می‌شود و نظریاتی مانند نظریان، **میلر کلووآرد** و **اوهلین** و **کوهن** می‌تواند منشأ خرده‌فرهنگ را تبیین کند (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۱). در تمامی نظریات خرده‌فرهنگی ردپای دیدگاه‌های **تارد** و به‌تبع آن **ساترلند** قابل مشاهده است، در تمامی نظریات خرده‌فرهنگی جرم رفتاری یادگرفتنی و به‌نحار است که در تعامل با گروه‌های فرهنگی مشاهده می‌شود.

۲-۳- ارتباط نظریات سه‌گانه **تارد** با نظریات یادگیری

اندیشمندان زیادی به نقش یادگیری و تقلید در انجام اعمال مجرمانه توجه داشتند که مهم‌ترین آن‌ها در جرم‌شناسی **اکرز** و **جفری** است در روان‌شناسی مهم‌ترین دانشمندی که به بحث و بررسی درباره یادگیری اجتماعی پرداخته است، **باندورا** است.

جفری در سال ۱۹۶۵ اولین مقاله خود مربوط به رفتار مجرمانه و نظریه یادگیری عامل را به چاپ رساند، خلاصه نظریه وی در مورد تقویت ترجیحی بدین شرح است مردم دارای و تجربه یکسانی در گذشته نیستند، برخی از مردم برای انجام رفتار مجرمانه تقویت شده‌اند، برخی دیگر مجازات شده‌اند و از آنجا که تقویت و یا مجازات همواره انجام نمی‌شود، تجربه گذشته برای حفظ رفتار مجرمانه جاری کافی است، **جفری** تأکید می‌کند مهم‌ترین اشکال تقویت، تقویت مادی است، مانند پول و یا اتومبیل است. او معتقد است محصول جرم به‌خودی‌خود تقویت‌کننده است و نیازی به داشتن معاشرت‌ها نیست (فرانک پی و ماری لین دی، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

در روان‌شناسی هم این امر اثبات شده که معمولاً کودکان رفتار والدین خود را براساس تقلید فرا می‌گیرند و به‌ویژه تقلید کردار و گفتار پدر به‌وسیله پسر و مادر به‌وسیله دختر رخ می‌دهد (عظیمی، ۱۴۰۰: ۳۶۳).

این تقلید از نزدیکان و به‌ویژه والدین بزهکار می‌تواند منجر به بزهکاری کودکان شود. به‌عبارت بهتر والدین، بزهکار فرزندان مجرم پرورش خواهند داد. هنجارهای اجتماعی در این خانواده‌ها آموزش داده نمی‌شود و قانون‌شکنی نه‌تنها قبیح نیست، بلکه گاهی از افتخارات فرد محسوب می‌شود. نتایج تحقیقات صورت‌گرفته در ایران نشان می‌دهد که در بین اقوام نزدیک ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان زندانی که سابقه تکرار جرم داشته‌اند، حداقل یک بزهکار وجود داشته است.

پس از خانواده دوستان و هم‌نشینان مهم‌ترین نقش را در بزهکاری فرزندان ایفا می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که دوستان می‌توانند در تشویق یا بازداشتن از بروز رفتار بزهکارانه مؤثر باشند.

محیط از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایسته می‌باشد، در صورتی که در محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکار وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به‌سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد، در پیدایش هر جرمی با تحلیل دقیق به این نتیجه می‌رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم می‌نماید و در نتیجه عامل مهمی خواهد بود، برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی به‌طور کلی محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین‌کننده و مؤثری را ایفا می‌نماید و رفتار انسان نشانه شخصیت و منش اوست تا حد زیادی ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است، لذا محیط آلوده، افراد را آلوده می‌کند (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

در این خصوص از دو دسته یافته‌ها می‌توان استفاده نمود: ۱- افراد بالغ دارای دوستان بزهکار با احتمال بیشتری به‌سوی رفتار بزهکارانه کشیده می‌شوند؛ ۲- احتمال دارا بودن دوستان بزهکار برای افراد بزهکار در مقایسه با افراد غیربزهکار بیشتر است که

گروه‌های مجرمانه به رهبری گروه و یا مقامات بالاتر برسد، از سویی انجام اعمال مجرمانه پاداش مادی نیز دربر دارد.

در مورد نقش تقویت بر روی اعمال کودکان آزمایشی انجام شد، در این آزمایش کودکانی که درحال مشاهده سرمشقی بودند که برای رفتار پرخاشگرانه تقویت می‌شدند، آن رفتار را از خود بروز می‌دادند، درحالی که کودکانی که شاهد تنبیه سرمشق بودند، آن رفتار را از خود بروز نمی‌دادند (زارعی، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۳). نظریه تارد تأثیری مستقیم بر نظریه ساترلند گذاشت و نظریات ساترلند توانست بسیاری از نظریات پس از خود را رهبری کند تأثیر او بر نظریات یادگیری مستقیم و آشکار است.

۳- نقش قوانین سه‌گانه تارد در حقوق کیفری ایران

تارد در کتاب قوانین تقلید پس از مطالعه قوانین اصلی تقلید و ارتباط متقابل محیط و تقلید افراد در بطن اجتماع به نقش مشاهده در تقلید اشاره می‌نماید و بیان می‌کند: «پس از مطالعه قوانین اصلی تقلید ما فقط مفاهیم عمومی آن را مطرح کرده‌ایم و آنچه در تئوری تقلید باعث قوت‌گرفتن نظریه مربوط می‌شود، نقش مشاهدات است که نتیجه همگانی و مستمری را از خود باقی می‌گذارد و این مشاهدات در بستر محیط اجتماعی باعث ماندگاری این رفتارها در میان نسل‌های گوناگون می‌شود که تأثیر مشاهدات اولی را در تقلید پیاپی افراد و نسل‌های بعد، فقط محیط اجتماعی ماندگار می‌کند.» اولین قانون تارد این بود که مردم به تناسب میزان برخورد نزدیکی که با هم دارند از یکدیگر کنند. از این رو تقلید در شهرها رایج‌تر است و با سرعت بیشتری تغییر پیدا می‌کند تارد این مسائل را با عنوان «مد» توصیف کرد، برعکس در نواحی روستایی تقلید کمتر شایع است و به کندی تغییر پیدا می‌کند. تارد آن را «عرف» نامید. تارد استدلال نمود جرم مانند هر پدیده دیگری با یک مد شروع شده، سپس به یک عرف تبدیل می‌شود.

باتوجه به قانون اول تارد می‌توان دریافت که وی بر این باور است شایع‌ترین نوع تقلید از نزدیکان صورت می‌گیرد؛ کودک در ابتدا از والدین و اعضای خانواده خویش تقلید می‌کند و از ورود به مدرسه از دوستان و معلمان تقلید می‌نماید (صقاری، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

به نظر می‌رسد هر دو مورد صحیح است (توسلی، ۱۳۸۳: ۲۸۴/۱).

نظریه تارد همان‌گونه که می‌تواند ارتکاب نخستین رفتار بزهکارانه را توجیه نماید، می‌تواند در تکرار یا عودت بزه هم قابل توجه باشد، به‌ویژه این امر در مورد زندانیانی که پس از تحمل کیفر، مجدداً مرتکب جرم می‌شوند، می‌تواند مصداق داشته باشد؛ یکی از مهم‌ترین راه‌های یادگیری روش‌های بزهکاری در داخل محیط زندان ایجاد روابط دوستانه میان زندانیان است؛ کسانی که در زندان هستند از لحاظ خانوادگی، اقتصادی، روانی و ... مشکلات عدیده‌ای دارند و با ورود به آنجا مشکلاتشان افزون‌تر می‌شود؛ آن‌ها از سوی خانواده و دوستان طرد شده و دوستان جدید بزهکاری در داخل زندان می‌یابند و همچنین روش‌های بزهکارانه بیشتری را از یکدیگر می‌آموزند و همین موضوع زمینه سوق دادن آنان به فعالیت‌های بزهکارانه هرچه بیشتر را در بین آن‌ها فراهم می‌آورد، کسانی که برای ارتکاب جرایم خرد به زندان می‌روند، در مدت کوتاهی پس از آزادی از زندان مرتکب جرایم دیگر می‌شوند.

۳-۱- نقش قوانین سه‌گانه تارد در حبس‌زدایی

اشاره شد که تارد معتقد بود: «رفتار و اعمال هر فرد در اجتماع ناشی از تقلید است. افراد با تقلید از عادات و رفتار دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می‌نمایند، حافظه هوش و آداب و رسوم اجتماعی در تقلید نقش مؤثری ایفا می‌کنند و کلیه تحولات، اجتماعی، از قبیل تحول قدرت‌ها، تحولات، مذهبی، حقوقی اقتصادی، اخلاقی، هنری، مذهبی زبان و درنهایت زندگی روزمره ناشی از تقلید است و جامعه متشکل از گروه‌هایی از افراد است که از هم تقلید می‌کنند.» گابریل تارد برای یادگیری و تقلید الگوی ساده‌ای را طراحی و تحت عنوان «قوانین تقلید» به جرم‌شناسی معرفی کرد (احدی و جمهری، ۱۳۷۸: ۶۹).

اگرچه تکرار جرم در محکومیت به حبس پس از آزادی از زندان چهاربرابر بیش از تکرار جرم در محکومیت به مجازات‌های جایگزین پس اتمام اجرای حکم می‌باشد (محدث، ۱۳۸۸: ۳۶)، اما باید توجه داشت که مجازات‌های جایگزین تنها درخصوص مجرمان خطرناک است و مجرمان خطرناک به‌ندرت اصلاح‌پذیر می‌باشند و اصلاح‌ناپذیر بودن مجرم دلیلی بر نادرستی

نظام کیفری و عدم کارایی مجازات نمی‌باشد. از سوی دیگر مطالعات آماری نشان می‌دهد که هرچه تعداد دفعات دستگیری مجرم پس از ارتکاب جرم جدید بیشتر شود، تکرار جرم در افراد دستگیر شده برای دفعات بعدی کمتر می‌گردد، به‌طوری‌که پس از پنج‌بار مجازات تنها ۴ درصد از مجرمان دوباره به‌سوی ارتکاب جرم جدیدی می‌روند و این رقم در مرتبه نهم به یک دهم کاهش می‌یابد. همچنین باید توجه داشت که اکثر موارد تکرار جرم از سوی محکومان در مناطق جرم‌خیز است، به گونه‌ای که بیش از دوبرابر تعداد تکرارکنندگان جرم در مناطق غیرجرم‌خیز محکومان مناطق جرم‌خیز دست به تکرار می‌زنند، ضمن این‌که ۱۱ درصد از محکومین بیکار و ۴۱ درصد از محکومین دارای شغل آزاد و ۶۳ درصد از محکومین شاغل در بخش دولتی مبتلا به تکرار جرم می‌شوند (محدث، ۱۳۸۸: ۳۳).

براساس قوانین تارد، کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و ورود وی به زندان موجب می‌شود که وی منطبق زیستن در اجتماع را بیش از پیش از فراموش کند و در عوض با فضای زندان که فضای غیراجتماعی و آلوده‌کننده از زور و استبداد و انحراف است، انس پیدا کند (توسلی، ۱۳۸۳: ۲۴۶).

مهم‌ترین راهکارهای مقابله با بحران تورم جمعیت کیفری را حبس‌زدایی از طریق اصلاح قوانین حبس‌محور با استفاده از نهاد تعلیق اجرای کیفر و ... دانست. در این راستا قانون‌گذار در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به دلایل متعددی، از جمله ضرورت بازنگری در مجازات‌ها، تقلیل جمعیت زندانیان و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان، با تصویب قانون «کاهش مجازات حبس تعزیری»، اقدام به افزایش جرایم قابل گذشت و قابل تعلیق و نیز کاهش بی‌سابقه جرایم تعزیری قابل گذشت نمود. به‌عنوان مثال به‌موجب ماده ۱۱ قانون اخیرالتصویب، جرایم قابل گذشت از ۲۲ جرم به ۵۹ جرم افزایش یافته است، این نگرش از جهت توسعه عدالت ترمیمی و این‌که به بزهکار فرصت داده می‌شود با جلب رضایت بزه‌دیده و تفاهم و سازش با وی، زیان وارده را جبران و آثار مخرب اقدام مجرمانه خود را ترمیم نماید، فی‌نفسه اقدامی شایسته و درخور تحسین می‌باشد. «در برخی جرایم مانند تخریب، تعیین نوع و میزان مجازات منوط به میزان

فرهنگ» در برخورد با فرهنگ کل جامعه اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد.

درخصوص پذیرش فرهنگ زندان می‌توان به قانون دوم گابریل تارد اشاره نمود. وی معتقد بود: «تقلید از بالا به پایین، یعنی از اشخاص بالادست و ارشد به افراد زیردست و پایین‌تر اشاعه می‌یابد.» تارد تاریخچه بزه‌هایی مانند ولگردی مستی و قتل عمد را دنبال کرد و دریافت که ابتدا خاندان سلطنتی مرتکب این جرایم شده‌اند و سپس از طرف تمامی طبقات جامعه تقلید شده است. همین‌طور، وی چنین استدلال می‌کرد شمار فراوانی از بزه‌ها ابتدا در شهرهای بزرگ به‌وجود آمده و سپس افراد ساکن در نواحی روستایی از آن‌ها تقلید نموده‌اند (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۰).

تقلید از فرادستان که درواقع تقلید از الگوست توسط بندورا تکمیل شد؛ او که به نقش عمده تأثیرپذیری از سرمشق توجه کرده بود، در این خصوص می‌نویسد: «اگر الگوی تقلید عالی رتبه و یا جذاب باشد، احتمال تقلید بسیار زیاد است» (لان‌دین، ۱۴۰۰: ۱۹۵/۱). جلوه‌هایی از این تقلید را می‌توان در قالب تقلید اشخاص از افراد مشهور، جامعه نظیر ستارگان سینما و قهرمانان ورزشی مشاهده نمود. تقلید از این گروه به‌خصوص در بین جوانان بسیار رایج است تا آنجا که در اکثر کشورهای غربی از سوی شرکت‌های تجاری بر روی این‌گونه افراد سرمایه‌گذاری های کلانی انجام می‌شود، اکثر این شرکت‌ها برای فروش محصولات خود همه‌روزه مدهای جدیدی را طراحی و از طریق ستاره‌های سینما و یا قهرمانان ورزشی به مردم معرفی می‌نمایند.

این امر در درون زندان پررنگ‌تر است و تحت تأثیر این قانون جرایم بسیاری در زندان واقع می‌شود.

برای زندانیان مهم‌ترین کاستی و نقص زندان آثار منفی اخلاقی است که این مجازات از خود درخصوص مجرمان به‌جای می‌گذارد، این پیامدها را می‌توان در چند جهت ارزیابی کرد:

۱- تباهی، هرچه بیشتر زندانیان در ممارست و هم‌نشینی با یکدیگر باشند، باعث انتقال افکار و تجربیات خطرناک مجرمان به یکدیگر شده و نه‌تنها مهارت مجرمانه به افراد تازه‌کار منتقل

خسارت وارده و به‌نوعی وابسته به تقویم توسط بزه‌دیده می‌باشد (بند «ت» ماده ۱ ناظر به ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) و این یعنی فرایند کیفری را شبیه به پرونده‌های مدنی و خصوصی می‌کند که در آن لزوماً باید بهای خواسته در دادخواست تقدیمی به دادگاه تعیین شده باشد و این اندازه اعطای نقش به بزه‌دیده چه چالش‌هایی را فراروی کنشگران سیاست جنایی قرار می‌دهد و در حادترین حالت آن رسیدگی کیفری و به تبع آن حراست از حقوق جامعه را به بن بست می‌کشاند» (روستایی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۶۷).

مهم‌ترین دلایل نقش و تأثیرگذاری قوانین سه‌گانه تارد در حبس‌زدایی در حقوق کیفری ایران عبارتند از:

۳-۱-۱- پیامدهای غیراخلاقی و آثار زیان‌بار فرهنگ زندان

یکی از آفت‌های زندان برای زندانیان پذیرش فرهنگ زندان می‌باشد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۳۳). «فرهنگ زندان‌پذیری»، یعنی پذیرش فرهنگ خاص محیط زندان توسط زندانیان. خرده‌فرهنگ زندانیان به‌ویژه زندانیان جوان و افرادی که برای نخستین‌بار وارد زندان می‌شوند، آن را می‌آموزند و درنتیجه پس از آزادی آن را در جامعه تکرار می‌نمایند (اسلامی اندارگلی، ۱۳۸۸: ۱۹).

این مفهوم، شاخص تجربه اجتماعی می‌باشد که زندانیان در طول مدت اقامت در محل، کسب می‌کند و شامل زندگی واقعی و برداشت خاص از زمان، روابط، مکان، قواعد رفتاری، نقش‌ها، وظایف، زبان و ... توسط فرد زندانی است. مخالفان زندان اعتقاد دارند: «زندان در عمل به یک محیط جرم‌زا و مجرم‌پرور مبدل شده است» (پیکا، ۱۳۹۵: ۱۰۸). «زندان به‌خودی‌خود جنایت‌پرور می‌باشد.» در قرن نوزدهم بعضی اندیشمندان اجتماعی بیان کردند: «زندان عملاً در خدمت مکتب جنایتکاران می‌باشد.» همچنین باوری در قرن ۱۹ شکل گرفته بود که «زندان مدرسه برای بزهکاران می‌باشد.» مخالفان زندان باور دارند: «هرجا یک زندان، یک تجمع هم وجود دارد، یعنی به همان تعداد باشگاه‌های ضداجتماعی وجود دارد و در این باشگاه‌هاست که بزهکار جوان اولین محکومیتش را در آن‌ها می‌گذراند، آموزش می‌بیند.» بخشی از فرهنگ زندان با تریخ زندانیان به جامعه انعکاس پیدا می‌کند و به این «خرده

دارای ناسازگاری اجتماعی با درون جامعه بوده و از اندیشه‌های چالش‌برانگیز برخوردارند، در زندان و حاکمیت این اندیشه‌ها در محیط زندان باعث پیدایش خرده‌فرهنگ در فرهنگ عمومی جامعه می‌گردد؛ این خرده‌فرهنگ دارای چالش‌های عمده‌ای با هنجارهای عمومی بوده و می‌تواند نوعی تهاجم فرهنگی در عرصه اخلاق و اندیشه اجتماعی به ارمغان آورد.

۳-۱-۲- پیامدهای منفی و روانی زندان برای زندانیان

زندان محیطی کاملاً متفاوت با سایر مکان‌های معمولی است؛ در مکان‌های عمومی دیگر حقوق شهروندی مراجعه‌کنندگان به‌طور یکسان مورد احترام بوده و قانون نیز نظارت جدی بر آن دارد، درحالی‌که محیط زندان کاملاً متفاوت با سایر اماکن عمومی بوده و نگاه مسئولین زندان به این محیط نگاه به محیطی مستثنای از دایره محیطی حقوق شهروندی، بلکه حقوق انسانی است، به‌گونه‌ای که زندانیان در نظر ایشان به عنوان شهروند درجه دو و انسان‌های قابل سرزنش و بی‌رحمی شناخته می‌شوند و مرتباً درصدد برخوردی سرکوبگرانه بر آنان هستند و زندانیان نیز متقابلاً با اندیشه فرار و رفتارهای ایذایی بر تشدید برخوردهای سرکوبگر دامن می‌زنند و این شرایط باعث چهار اثر روانی و شخصیتی مهم در روح و روان زندانیان می‌شود: ۱- ایجاد حس حقارت؛ ۲- شعله‌ور شدن حس انتقام؛ ۳- اختلال شخصیتی و فقدان هویت؛ ۴- نابودی حس مسؤلیت.

در توضیح این آثار باید گفت که رفتارهای توأم با قساوت و تندی با زندانیان و جداکردن او از جامعه و طرد وی از سوی اجتماع به‌عنوان یک خلافکار باعث می‌شود که زندانی خود را پایین‌تر از دیگران دیده و نوعی احساس حقارت در درون وی شکل می‌گیرد و به خود تلقین می‌نماید که جامعه درصدد تحقیر و خوارکردن اوست و این امر تا بدان جا پیش می‌رود که در دل زندان حس دشمنی با جامعه و انتقام از آن زنده شده و به‌تدریج تشدید می‌گردد و او را برای ارتکاب هرگونه کار زشت و ناپسندی در جامعه آماده می‌کند، به‌گونه‌ای که جرایم ساده زندانی پیش از حبس تبدیل به کارهای خطرناک و ترس‌آوری پس از آزادی او می‌گردد.

می‌شود، بلکه سبب می‌گردد که مرتکبان جرایم سبک به همین دلیل روحیه ارتکاب جرایم سنگین‌تری را در خود با الهام از افکار و مهارت‌های مجرمان خطرناک زنده کنند؛

۲- پایین آمدن سطح هنجاری‌پذیری و تقویت روحیه هنجارشکنی که باعث تکرار جرم و بازگشت مجرمان به زندان پس از آزادی از زندان خواهد بود؛ این امر باعث شده است که استفاده زیاد از محکومیت حس باعث ازدیاد جرایم و جمعیت کیفری شود (زینالی و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۲)؛

۳- گذشته از تقویت روحیه مجرمانه در زندانیان به‌شرحی که گذشت، باعث ابتلای شدید زندانیان به فساد اخلاقی و حتی بیماری‌های ناشی از آن می‌شود؛ زندانیان مرد یا زن به‌دلیل بی‌کاربودن در زندان دچار تشدید گرایش جنسی شده و دست به رفتارهای مجرمانه بدتری می‌زنند، چنان‌که جوانان بزهکاری که تنها به‌خاطر رابطه نامشروع با جنس مخالف به حبس احتیاطی اعزام می‌شوند، در زندان امکان تعرض جنسی سایر زندانیان به آن‌ها و آلوده‌شدنشان به جرم لواط و هم‌جنس‌بازی بسیار زیاد است.

فساد اخلاقی در زندان زنان باتوجه به شوهردارنبودن اکثر زنان زندانی، بالاخص افرادی که به‌جهت اخلاقی دستگیر شده‌اند، دوچندان می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مرتکبان جرایم تعزیری اخلاقی معمولاً به گناهان کبیره و جرایم حدی اخلاقی محکوم می‌شوند.

در کنار فساد اخلاقی ترویج اعتیاد و یا دست کم تشویق به کشیدن سیگار در اثر گرایش زندانیان و نیز برای غلبه بر فشارهای روحی و روانی باعث تشدید تباهی اخلاقی می‌شود.

رواج بیماری‌های واگیردار خطرناک مانند ایدز و هپاتیت نیز خود پیامد فساد اخلاقی و اعتیاد است که عمق فاجعه فساد و تباهی ناشی از زندان را دوچندان می‌کند (فرج‌اللهی، ۱۳۸۹: ۸۱/۱).

تعامل زندانی با جامعه از طریق ورود و خروج سیل عظیمی از افراد جامعه به محیط زندان باعث بروز و ظهور پیامدهای فراوان فرهنگی از فرهنگ و گرایش‌های محیط زندان در محیط جامعه می‌گردد. قرارگرفتن اشخاص معین که به نوعی

مارک آنسل در این خصوص بر این باور است: «انسان‌های سده بیستم زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند، اما حقیقت این است که تمام امیدها به بر باد رفته است، زندان که می‌بایست ابزار اصلی واکنش در برابر بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم می‌باشد و یا به آن تبدیل شده است. نگاهی کوتاه به تیتیر حوادث روزنامه‌ها مؤید این مطلب می‌باشد که برنامه‌ریزی و ساماندهی بخشی از جرایم در زندان انجام می‌شود. شاید بتوان مهم‌ترین علت این امر را در همجواری تمامی جرایم با یکدیگر دانست. مجرم مبتدی و اتفاقی در کنار مجرم حرفه‌ای قرار می‌گیرد و زمینه برای آموزش او فراهم می‌آید» (آنسل، ۱۳۹۶: ۸۷).

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد که ۲۹ درصد زندانیان به طور مرتب مرتکب جرم شده‌اند و دوباره به زندان بازگشته‌اند، این آمار در طی ۵ سال تقریباً ثابت بوده است و زندان نه تنها برای این ۲۹ درصد نمی‌تواند کاری انجام دهد، بلکه سایر زندانیان در معرض یادگیری از این ۲۹ درصد قرار دارند (مهدوی پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸۶).

فوکو در این خصوص می‌نویسد: «در همین باشگاه است که بزهکار جوانی که نخستین محکومیت‌اش را در آنجا می‌گذراند، آموزش می‌بیند و نخستین میلی که در او زاده می‌شود، این است که از کارکشته‌ها یاد بگیرد چگونه از چنگ سختگیری‌های قانون بگریزد» (فوکو، ۱۳۹۶: ۳۳۳). در کتاب «نظریه تقلید گابریل تارد» عنوان شده است که بعد از معرفی نمونه اول که مورد توجه اکثر افراد قرار بگیرد، شیوه‌های جدید ارتکاب اعمال مجرمانه گسترش می‌یابد. تارد این مسأله را با عنوان قانون «مد» معرفی نموده است. برای نمونه وی استدلال نمود که باتوجه به قانون مد، قتل عمد ناشی از چاقوزدن کاهش یافته، درحالی که قتل عمد ناشی از تیراندازی افزایش پیدا کرده است (ولد و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۰). زمانی که در جامعه شیوه جدیدی برای بزهکاری پدید می‌آید یا این که برای انجام جرم‌های قبلی از روش‌های جدید استفاده شود، اصولاً تمامی بزهکاران برای انجام آن علاقه نشان می‌دهند و از آن روش‌ها استفاده می‌نمایند و درواقع می‌توان گفت این جرایم و استفاده از روش‌های جدید برای ارتکاب آن‌ها در جامعه مد می‌شوند.

از سوی دیگر با طولانی شدن مدت، حبس زندان دچار اختلال شخصیت و بی‌هویتی می‌گردد، زیرا کم‌کم تعادل شخصیتی و روانی خود را از دست داده یا دچار تزلزل و خلأ شخصیتی می‌گردد و یا دچار هیجان‌های شدید روانی و حس تهاجمی می‌شود؛ در صورت نخست به تبعیت محض و کورکورانه روی می‌آورد که ممکن است باعث پیروی او از برخی افراد بزهکار ماهر شده و باندهای مجرمانه را تشکیل دهد و در صورت دوم با ایجاد حس پرخاشگری و تهاجم در او مرتباً درصدد فرار از زندان برمی‌آید که در نتیجه سبب افزایش مشکلات اداره زندان و هزینه‌های مربوط می‌گردد (وائلی، ۱۳۶۲: ۲۲۶)، اما تأثیر زندان در روح و روان زندانیان به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه رکود و بی‌کاری در زندان که به طور مستمر ادامه داشته و زندانی را در حالتی از روزمرگی قرار می‌دهد که هرگز تشابهی به شرایط فعال اجتماعی ندارد، باعث عادت کردن زندانی به تن پروری و کار نکردن شده و او را نسبت به مسؤولیت‌های اجتماعی و خانواده و جامعه بی‌تفاوت می‌کند (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۶).

فردی که مدت طولانی برای تهیه خوراک، پوشاک و مسکن خود و خانواده و افراد تحت تکفلش، مسؤولیتی نداشته و از دغدغه‌های فکری آن آسوده بوده است، پس از بازگشت به محیط جامعه و خانواده، نمی‌تواند به سادگی پذیرای مشکلات و سختی‌های مربوط به امور مذکور بوده و زیر بار مسؤولیت برود، همین امر خود باعث بروز کشمکش‌ها و نزاع‌های خانوادگی و سپس اجتماعی می‌شود.

۳-۱-۳- جرم‌زابدن محیط زندان

شاید بتوان گفت مهم‌ترین ایراد وارد بر حبس، جرم‌زابدن محیط زندان است. درواقع زندان احترام به قانون را آموزش نمی‌دهد، چون زندگی در زندان غالباً آمیخته به انواع سوءاستفاده‌ها است. زندان‌ها از ارتکاب جرم جلوگیری نمی‌کند، بلکه افراد را به مجرمان حرفه‌ای تبدیل می‌کند. زندان‌ها قدرت جادویی برای تبدیل بزهکاران به شهروندان مطیع ندارند، چون هیچ‌کس به فردی که مدتی از آزادی محروم بوده، نمی‌آموزد چگونه همانند یک شهروندان عادی زندگی نماید.

۴- وضع مجازات جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران

در راستای انتقادهای زیادی که بر کیفر حبس وارد شده است و کاهش آسیب‌های ناشی از این نوع مجازات، مجازات‌های جایگزین حبس در دوران گوناگون و تحت تأثیر اندیشه‌های مکاتب مختلف به وجود آمد و توسعه یافت. در نظریه یادگیری به نقش یادگیری و تقلید در ارتکاب جرم می‌پردازند؛ یادگیری افراد از طریق تداعی به سه شیوه انجام می‌شود: ۱- یادگیری از طریق شرطی شدن کلاسیک؛ ۲- یادگیری از طریق شرطی شدن کنشی؛ ۳- و همچنین یادگیری اجتماعی است، درحالی‌که شرطی شدن کلاسیک و شرطی شدن کنشی با آزمایش بر روی حیوانات به دست آمده است. نظریه یادگیری اجتماعی بیشتر به یادگیری انسان توجه می‌کند، چراکه این نظریه به طور مستقیم به فرآیندهای روانی عالی توجه نشان می‌دهد. از پیشگامان این نظریه در جرم‌شناسی گابریل تارد و ادوین اچ. ساترلند هستند. زندان با توجه به محیط خود نقش مهمی در یادگیری و تبادل اطلاعات در زمینه‌های فنون و روش‌های ارتکاب جرم دارد. فوکو در این زمینه بیان می‌کند: «در همین باشگاه است که بزهدار جوانی که نخستین محکومیتش را در آنجا می‌گذراند، آموزش می‌بیند و نخستین میلی که در او زاده می‌شود، این است که از کار کشته‌ها یاد بگیرد چگونه از چنگ سخت‌گیری‌های قانون بگریزد.» نتایج تحقیقات صورت گرفته در ایران در خصوص نقش تقلید و یادگیری در محیط زندان نشان می‌دهد که زندانیان دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان را مهم‌ترین عامل ارتکاب جرم در بار دوم دانسته‌اند (مهدوی پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۷-۲۸۱). قانون‌گذار ایران در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین را پیش‌بینی کرده است.

در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی گفته شده: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزهدیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.» در تبصره این ماده هم گفته شده: «دادگاه در ضمن حکم، به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با

شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند؛ دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.» در این ماده همچنین درباره دوره مراقبت صحبت شده است (محمدی، ۱۳۹۳: ۳۸)؛ در تعریف این دوره باید گفت در این مدت محکوم، به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی که در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی آمده است، محکوم می‌شود و این موارد شامل حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌های خاص، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقة، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌های مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص، از قبیل بزهدیده به تشخیص دادگاه، گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی هستند. براساس قانون مجازات اسلامی مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند (شامبیاتی، ۱۴۰۱: ۱۲۲/۳-۱۲۱). همچنین مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند، مگر این‌که به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد و دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است، به مجازات جایگزین حبس محکوم کند. همچنین براساس ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است. ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی خاطر نشان می‌کند که دادگاه در کنار تعیین مجازات جایگزین حبس برای مرتکب میزان مجازات حبس نیز تعیین می‌کند تا اگر از انجام مجازات اولیه خود شانه خالی کرد؛ در صورت عدم انجام دستورات دادگاه برای بار اول یک چهارم تا یک دوم به میزان مجازات اولیه اضافه شده و در صورت تکرار تخلف برای بار دوم، مجازات حبس اجرا خواهد شد. در صورتی که اجرای

نیست و باز می‌بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست برنداشته‌اند، بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم تشکیل داده‌اند و هر ساله بر این تعداد افزوده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، سهم نویسندگان به صورت مشترک بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- احدی، حسن و جمهوری، فرهاد (۱۳۷۸). *روان‌شناسی رشد*. چاپ دوم، تهران: نشر بنیاد.

- اسلامی اندارگلی، عنایت (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی». *نشریه اصلاح تربیت*، ۸۹: ۵۷-۶۹.

- آشوری، محمد (۱۳۸۲). *جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین*. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- آنسل، مارک (۱۳۹۶). *دفاع اجتماعی*. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.

- پیکا، ژرژ (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مجازات جایگزین به دلیل مانعی جز خود مرتکب با مشکل مواجه شود، اعمال مجازات متوقف شده و مدت باقی‌مانده پس از رفع مانع از سر گرفته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که قوانین گات مبتنی بر تقلید انسان از دیگران و قاعده یادگیری بر این امر دلالت دارد که مجازات حبس باعث تکرار و توسعه جرم می‌شود و زندانی روش‌های ارتکاب جرم از دیگر زندانیان را یاد گرفته و تقلید می‌کند. این درحالی است که حضور وی در کانون خانواده و اجتماع کمک می‌کند، از این اثرات به دور باشد. این رویکرد در حقوق کیفری ایران نیز تأثیرگذار بوده است. قانون‌گذار ایران در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین را پیش‌بینی کرده است. کیفرهای تبدیلی یا جایگزین شامل مجازات‌هایی هستند که ماهیتی متفاوت با حبس داشته و از لحاظ ماهیت اجرایی نیز هیچ شباهتی با آن ندارد و در عین حال ضمن اهداف مجازات از ویژگی‌های خشونت‌بار و مجازات اعدام و شلاق بر حذر می‌باشد. با گذر زمان و مواجهه با کاستی‌های زندان رفتارها و رویکردهای جدیدی مانند جزای نقدی و کارهای عام‌المنفعه نیز مورد توجه قرار گرفت که از آنان به مجازات‌های تبدیلی جایگزین حبس یاد می‌شود. از آنجا که بعضی از زندانیان به دلیل آن که خود را بی‌گناه می‌پندارند و زندانی شدن را در حق خود ظلم می‌دانند، بر این اساس با افراد قوی ارتباط دوستانه‌ای برقرار می‌نمایند صرفاً به جهت نفرت و انزجار از وضعیت پیش آمده تا به محض خروج از زندان و به تقلید از زندانیان سابقه‌دار بیشتر از گذشته مرتکب جرم می‌شوند، در این حالت براساس قانون دوم تارد زندانی که خود را بی‌گناه می‌داند برای انتقام از جامعه با افراد سابقه‌دار معاشرت می‌کند و فنون انجام بزه را از بزهکاران سابقه‌دار یاد می‌گیرد، در کنار یادگیری جرم از افراد سابقه‌دار، براساس قانون سوم تارد به شیوه‌های بهتر و نوین مجرمانه برای ارتکاب اعمال مجرمانه روی می‌آورند و آن را یاد گرفته و تقلید می‌نمایند تا در ارتکاب جرم مجدد در آینده، دیگر در چنگال قانون گرفتار نشوند و بدین‌سان کیفر حبس نه تنها بازدارنده نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از اعمال مجرمانه در آینده باشد، چراکه کیفر حبس در برآورده‌نمودن پیشگیری از جرم موفق

- مارش، یان و والکینگتن، زئو (۱۳۸۹). نظریه‌های جرم. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- محدث، محسن (۱۳۸۸). مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم. چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه بینه.

- محمدی، داوود (۱۳۹۳). مجازات‌های جایگزین (نقدی بر کیفر زندان، چالش‌ها و راهکارها). چاپ دوم، تهران: انتشارات عود.

- محمدی، معصومه (۱۳۹۵). تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه‌گانه تقلید گابریل تارد. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- مهدوی‌پور، اعظم؛ دارایی پناه، شهین و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۷). «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان». نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۲۳: ۲۸۱-۳۱۷.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۷). دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- وائلی، احمد (۱۳۶۲). احکام زندان در اسلام. ترجمه محمدحسن بکایی، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسینیپس، جفری (۱۳۹۷). جرم‌شناسی نظری. ترجمه علی شجاعی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع انگلیسی

- Tarde, G (2012). *Monadology and Sociology*. 3rd ed., Melbourne: Publisher re.Press.

- Tarde, G (2012). *Social laws An outline of sociology*. 2nd ed., New York: Batoche Books Kitchener Press.

- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- روستائی، مهرانگیز و رحمانیان، حامد (۱۴۰۰). «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری». مجله حقوقی دادگستری، ۲۴(۱۱۳): ۱۶۱-۱۸۴.

- زارعی، حسین (۱۳۹۰). روان‌شناسی عمومی. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام نور.

- زینالی، علی و همکاران (۱۳۷۹). «بررسی آمار بازگشت مجدد زندانیان به‌عنوان شاخص اصلاح یا مجازات». تهران: دومین همایش سراسری علمی تخصصی سازمان زندان‌ها.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- صفاری، علی (۱۳۹۹). کیفرشناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- عظیمی، سیروس (۱۴۰۰). اصول روان‌شناسی عمومی. چاپ بیستم، تهران: انتشارات صفار.

- فرانکپی، ویلیامز؛ دی، ماری لین مک‌شین (۱۳۸۶). نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹). جرم‌شناسی و مسؤولیت کیفری. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- فوکو، میشل (۱۳۹۶). مراقبت و تنبیه: تولد زندان. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- لاندین، رابرت ویلیام (۱۴۰۰). نظریه‌ها و نظام روان‌شناسی. ترجمه یحیی سید محمدی، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات ویرایش.

- Toews, D (2003). "The New Tarde Sociology After the End of the Social". *Journal of Theory Culture & Society*, No. 5.